

## فرآیند منطقه‌گرایی و تأثیر آن در استحکام ساخت درونی نظام

امیر غلامعلیان<sup>۱</sup>، علیرضا سعادت‌راد<sup>۲</sup>

دریافت مقاله: ۹۶/۰۱/۲۱

پذیرش مقاله: ۹۶/۰۲/۲۶

### چکیده

استحکام ساخت درونی نظام، در تعامل با محیط راهبردی آن شکل می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران با آرمان‌ها و ارزش‌های ساختاری، هنگامی از ساختار تثبیت شده‌ای برخوردار می‌گردد، که بتواند به‌عنوان بازیگری فعال در چارچوب اصول و قواعد تعریف شده منطقه‌ای و نظام بین‌المللی، به بازی خود استمرار و استحکام بخشد. هدف اصلی این تحقیق، تبیین چگونگی تأثیرگذاری فرآیند منطقه‌گرایی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سیاسی قدرت ملی، در استحکام ساخت درونی نظام ولایی جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌باشد. این تحقیق بر مبنای دستاورد از نوع کاربردی، بر مبنای اهداف و ماهیت، از نوع پیمایشی، توصیفی و تحلیلی و بر مبنای نوع داده‌های مورد استفاده از نوع آمیخته است. فرضیه این تحقیق به این شکل بیان گردیده، چنین به نظر می‌رسد، فرآیندهای منطقه‌گرایی ج.ا.ایران در ۴ مؤلفه‌ی هم‌افزایی جوامع اسلامی، احیاء هویت جهان اسلام، تأمین منافع ملی و مقابله با پروژه شیعه‌هراسی، موجبات استحکام ساخت درونی نظام را در بعد سیاسی فراهم می‌آورد. "جامعه آماری تحقیق حاضر را فارغ‌التحصیلان گرایش روابط بین‌الملل و علوم سیاسی دانشگاه‌های مستقر در تهران به تعداد ۱۰۰ نفر تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۲ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین گردیدند. نتایج حاصل از این پژوهش، بیانگر این است که جمهوری اسلامی ایران به‌منظور تثبیت ساختارهای بنیادی نظام، باید در معادلات سیاسی منطقه‌ای و در سیاست خارجی خود به‌گونه‌ای حضور فعال داشته باشد که اجازه ندهد رفتاری در همسایگی این کشور شکل گیرد که منافع ملی و ارزش‌های حیاتی آن را هدف قرار دهد. در این میان فرآیند منطقه‌گرایی، عاملی انکارناپذیر در افزایش قدرت ملی و افزایش و استحکام ساختار درونی نظام است.

**واژگان کلیدی:** منطقه‌گرایی، قدرت ملی، وزن ژئوپلیتیکی، ساختار درونی نظام



<sup>۱</sup> دانش‌آموخته دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) Chohamalain.Amir@gmail.com

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته دکتری علوم دفاعی راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

## مقدمه

از مؤلفه‌های سیاسی تأثیرگذار در قدرت ملی که در استحکام ساخت درونی نظام ولایی ج.ا.ایران تأثیرگذار خواهد بود، تقویت عمق منطقه‌گرایی است. مفهوم منطقه‌گرایی، پدیده‌ای که در طول یک دهه گذشته روندهای حاکم بر وضعیت جهانی را تحت تأثیر قرارداد و حتی به الگویی برای تحلیل مسائل جهانی و بین‌المللی تبدیل گردیده، امروزه، مورد توجه قرار گرفته است. جمهوری اسلامی ایران قادر است از طریق فرایند منطقه‌گرایی، ورود به جهانی بزرگ‌تر را به محک تجربه و آزمایش بگذارد. بنابراین تفکر منطقه‌گرایی شیوه‌ای برای ساختار جهانی شدن از طرف کشورهای درحال توسعه بوده و می‌تواند فرصت مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران در این دوره باشد. کشور ایران دارای پتانسیل‌های بسیاری در منابع زیرزمینی، فضای جغرافیایی، نیروی انسانی و موقعیت جغرافیایی (ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژی و ارتباطی) است که می‌تواند تولیدکننده قدرت باشد. به علت ضعف نهاد دولت در ایران، وجود این‌گونه پتانسیل‌ها و ارزشمندی‌های ذاتی در محدوده‌ی سرزمینی ایران، نه تنها قدرت لازم را در اختیار این کشور قرار نداده، بلکه باعث جذابیت برای قدرت‌های جهانی شده و به صورت منبع تهدید علیه منافع و استقلال ایران عمل کرده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۵۰). برای بیان مسئله این تحقیق، می‌توان به این نکته اشاره کرد که " با توجه به فعالیت‌های گسترده‌ای که توسط کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی، در خصوص پروژه ایران‌هراسی و انزوای منطقه‌ای و در نهایت تضعیف ساختارهای بنیادی نظام جمهوری اسلامی اعمال می‌گردد، در جهت مقابله با این ترفند و تثبیت ساختارهای درونی و بیرونی نظام، یکی از مناسب‌ترین راه‌کارهای مقابله در ابعاد سیاسی، تقویت فرآیند منطقه‌گرایی می‌باشد. " این تحقیق از آن جهت دارای اهمیت است که " می‌تواند مزایا و نتایج مثبت منطقه‌گرایی را در جهت استحکام ساخت درونی نظام، نسبت به سایر مؤلفه‌های سیاسی تبیین نموده و از آن جهت دارای ضرورت است که در صورت عدم انجام تحقیقات مرتبط در این حوزه، می‌تواند موجب مغفول ماندن زوایای مثبت فرآیند منطقه‌گرایی در سیاست‌های راهبردی ج.ا.ایران گردد. هدف اصلی این تحقیق، "دستیابی به فرآیندهای منطقه‌گرایی ج.ا.ایران در بعد سیاسی به منظور استحکام ساخت درونی نظام و هدف فرعی آن، تبیین چگونگی تأثیر این فرآیندها در استحکام ساخت درونی نظام است. با توجه به هدف اصلی، سؤال اصلی این تحقیق، به این شکل مطرح گردیده که "



فرآیندهای منطقه‌گرایی ج.ا.ایران در بعد سیاسی به‌منظور استحکام ساخت درونی نظام، کدام است؟ و در همین راستا سؤال فرعی به این شکل مطرح گردیده، تأثیرگذاری فرآیندهای منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران در استحکام ساخت درونی نظام چگونه است؟" فرضیه این تحقیق به این شکل بیان گردیده "چنین به نظر می‌رسد، فرآیندهای منطقه‌گرایی ج.ا.ایران در ۴ مؤلفه‌ی هم‌افزایی جوامع اسلامی، احیاء هویت جهان اسلام، تأمین منافع ملی و مقابله با پروژه شیعه‌هراسی، موجبات استحکام ساخت درونی نظام را در بعد سیاسی فراهم می‌آورد."

## مبانی نظری:

### پیشینه تحقیق:

کیهان برزگر در مقاله‌ای تحت عنوان "منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران" به بررسی اهمیت «منطقه‌گرایی» در سیاست خارجی ایران در جنوب غرب آسیا می‌پردازد. بعضی از دیدگاه‌های موجود ویژگی‌های ساخت قدرت و سیاست در ایران را به‌گونه‌ای می‌دانند که هرگونه ائتلاف و همکاری سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی را در سطح منطقه‌ای دشوار می‌سازد. با این‌همه، سخن نویسنده در این مقاله این است که تغییر و تحولات سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیک در سطح منطقه جنوب غرب آسیا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، جایگاه منطقه‌گرایی را در سیاست خارجی ایران تقویت کرده است. در اصل ارزش استراتژیک و نقش ایران در تقویت مؤلفه‌های منطقه‌ای به مؤلفه‌هایی نظیر دولت ملی قوی، هویت ژئوپلیتیک و ایدئولوژی پویای شیعی مرتبط است. از این دیدگاه، نویسنده به تعریف دو مفهوم «منطقه‌گرایی سنتی» و «منطقه‌گرایی جدید» در رویکردهای سیاست خارجی ایران می‌پردازد که هر یک با نگاه متفاوتی سعی در تأمین منافع و امنیت ملی ایران دارند. نویسنده نتیجه می‌گیرد که جمهوری اسلامی ایران باید با بازتعریف مؤلفه‌های قدرت ملی خود در سطح منطقه‌ای، به حل معضلات استراتژیک سیاسی امنیتی با قدرت‌های فرا منطقه‌ای از جمله آمریکا بپردازد و از آن طریق روند تثبیت فرصت‌های اقتصادی و توسعه پایدار را به جریان بی‌اندازد.

محمدعلی موسوی در مقاله‌ای تحت عنوان "جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی، انفکاک یا هم‌گرایی" بیان می‌نماید که جهانی‌شدن تأثیر عمیقی در اقتصاد سیاسی کشورها و افزایش تجارت بین‌الملل داشته است. از سوی دیگر منطقه‌گرایی نوین در طی دو دهه گذشته در نقاط مختلف جهان به روندی رو



به رشد تبدیل شده که منجر به فزونی تجارت بین کشورهای عضو و روان‌سازی جریان‌های مالی انسانی در درون منطقه شده است. این امر به‌عنوان گامی در مسیر تقویت جهانی‌شدن تلقی می‌گردد. اما برای عده‌ای، این رویکرد از یک سو موجب کاهش تجارت بین منطقه‌ای و کاهش فرایندهای اقتصادی جهانی و از سوی دیگر باعث تشدید زیان برای دیگر مناطق و کشورها شده است. بر این اساس منطقه‌گرایی مانعی در مقابل جهانی‌شدن تلقی می‌شود. این مقاله بر آن است تا نشان دهد منطقه‌گرایی نوین به‌رغم افت‌وخیزهای آن نه‌تنها مانعی در مسیر جهانی‌شدن نیست، بلکه از یک سو نقشه راه جهت ورود به فرایندهای جهانی‌شدن می‌باشد و از سوی دیگر سازوکاری اساسی جهت هدایت و تسریع روند جهانی‌شدن است. هنگامی که نظام جهانی با بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو می‌شود. اتحادیه‌های منطقه‌ای برای حمایت از اعضای خود تا حدودی درون‌گرا و حمایت‌گرا می‌شوند اما در مسیر خروج نظام بین‌المللی از بحران، آن‌ها نیز هم‌گرایی جهانی خود را تشدید می‌کنند.

ادموند هرتسیگ و محمدعلی قاسمی در مقاله‌ای تحت عنوان "منطقه‌گرایی، ایران و آسیای مرکزی" عنوان می‌دارد: جمهوری اسلامی ایران، بعد از دوره‌ای از انکار و طرد سازمان‌های بین‌المللی، بر اساس تحولات جدید و درک نوین از منافع، دریافت که این سازمان‌ها، اولاً می‌توانند ابزاری برای حفاظت از حقوق و امنیت کشور باشند، ثانیاً به خروج ایران از انزوای کمک کنند و ثالثاً در مقابل خطرات تک‌قطبی شدن جهان از جمهوری اسلامی حمایت و حراست کنند. در این راستا ایران ضمن روی آوردن به سازمان‌های غیرغربی همچون عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی، دست به ابتکار و طرح ایجاد سازمان‌های جدید منطقه‌ای زد. آنگاه پیش‌تر تأسیس شده بود، با پیوستن اعضای از کشورهای استقلال‌یافته از شوروی سابق، تحرک بیشتری یافت. توفیق ایران در منطقه‌گرایی را باید نسبی و کم‌ویش اندک به حساب آورد. دلایل توفیق اندک را می‌توان عدم اشتراک استراتژی‌های دولت‌های منطقه، نگرانی برخی کشورها از ایران به‌ویژه دولت‌های کوچک و حاشیه خلیج فارس، تمایل و حتی اشتیاق اعضای این سازمان‌ها به همکاری با آمریکا (درحالی‌که جمهوری اسلامی ایران اساساً سازمان‌های مذکور را وسیله‌ای برای مقابله با آمریکا می‌داند) و مکمل نبودن اقتصادهای کشورهای منطقه دانست. اما توفیق این سازمان‌ها بیشتر در ایجاد مجمعی برای طرح مباحث و جلوگیری از تشنج در عرصه‌های دیگر بوده است. ضمن آنکه برخی



پروژه‌های مهم اقتصادی و اتصال‌های شبکه متنوع این کشورها به یکدیگر، چشم‌انداز فعالیت‌های آتی و احتمالاً ارتقای وضعیت اروپا را امیدوارکننده‌تر می‌کند.

### مفهوم‌شناسی:

#### قدرت ملی:<sup>۱</sup>

عبارت است از مجموعه‌ای از نیروهای مادی و معنوی یک ملت که ناشی از منابع موجود سیاسی، اقتصادی، نظامی، جغرافیایی، اجتماعی، علمی و تکنولوژیکی برای نیل به اهداف و منافع ملی. (محمدرزاد و نوروزی، ۱۳۷۸: ۲۱۸)، در مجموع می‌توان گفت که، قدرت ملی، مجموعه‌ی توانایی‌ها و قابلیت‌های یک کشور برای نفوذ در رفتار سایر کشورها در جهت نیل به منافع ملی خود می‌باشد. (شهلائی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲)

#### وزن ژئوپلیتیکی:<sup>۲</sup>

عبارت است از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی مؤثر در قدرت ملی یک کشور، به عبارتی جمع جبری عوامل قدرت ملی (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۹) وزن ژئوپلیتیکی، رابطه‌ی مستقیم با منزلت ژئوپلیتیکی کشور در سامانه جهانی و منطقه‌ای دارد، یعنی هر قدر وزن بیشتر باشد منزلت و اعتبار عمومی کشور بین سایر کشورها اعم از بزرگ‌تر، هم‌تراز و یا کوچک‌تر بیشتر می‌شود. (همان: ۱۱۰).

#### منطقه‌گرایی:<sup>۳</sup>

منطقه‌گرایی در سیاست بین‌الملل به گسترش قابل‌ملاحظه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی میان دولت‌ها و سایر بازیگران در نواحی جغرافیایی خاصی اشاره دارد. اصولاً منطقه به صورت ترکیبی از نزدیکی جغرافیایی، درجه بالای تعاملات، چارچوب‌های نهادی و هویت‌های فرهنگی مشترک تعریف می‌گردد. در اغلب موارد، منطقه‌گرایی برحسب درجه انسجام اجتماعی (زبان، قومیت، فرهنگ، مذهب، تاریخ و آگاهی از میراث مشترک) انسجام اقتصادی (الگوهای تجاری و مکمل بودن اقتصادی)، یکپارچگی سیاسی (نوع رژیم و ایدئولوژی) و انسجام سازمانی (وجود نهادهای



<sup>1</sup> National power

<sup>2</sup> Geopolitical weight

<sup>3</sup> Regionalism

رسمی منطقه‌ای) تجزیه و تحلیل می‌شود. این اصطلاح برای اولین بار در نوشته‌های کارکردگرایان مانند میترا نی و ارنست هاس و جوزف نای مطرح شد. به‌عنوان مثال ارنست هاس؛ همگرایی را فرایندی می‌داند که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا ترغیب می‌شوند تا وفاداری و فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به‌سوی مرکز جدید معطوف سازند (آشوری، ۱۳۸۳: ۷۹).

### استحکام ساخت درونی نظام:

استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران و توجه به ابعاد مختلف آن از تأکیدی است که در بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی بر آن تأکید شده است. معظم له، استحکام درونی را آن چیزی می‌داند که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به‌سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها را به جوامع می‌دهد.<sup>۱</sup>

### قدرت ملی و ارتباط آن با وزن ژئوپلیتیکی:

قدرت ملی به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، برآیند توانایی‌ها و مقدرات دولت ملت است که ناشی از وزن ژئوپلیتیکی آن است (جونز، ۱۳۷۳: ۱). به‌عبارتی دیگر، ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی مؤثر در قدرت ملی یک کشور را که با توجه به عوامل تولیدکننده قدرت، موقعیت، جمعیت، فضا، انرژی و غیره شکل می‌گیرد، وزن ژئوپلیتیکی می‌نامند. وزن ژئوپلیتیکی موقعیت کشور و یا منزلت آن را در مجموعه‌ای از کشورها و یا در نظام ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای نشان می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۱).

وزن ژئوپلیتیکی با منزلت ژئوپلیتیکی کشور در نظام جهانی و منطقه‌ای رابطه مستقیم دارد؛ یعنی هرچه وزن بیشتر باشد، منزلت و اعتبار عمومی کشور بین سایر کشورها اعم از بزرگ‌تر، هم‌تراز و یا کوچک‌تر بیشتر می‌شود و هراندازه اعتبار و منزلت افزایش پیدا کند، به‌همان اندازه فرصت‌های جدید قدرت مرئی یا نامرئی برای اثرگذاری عینی بر فرآیندها، تصمیم‌ها و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی و منطقه‌ای و جهانی فراهم می‌آید و آن کشور می‌تواند به‌تدریج در جایگاه مدیریت و رهبری فرآیندها و کنش‌های جمعی قرار گیرد و نقش سیاسی و بین‌المللی محوری ایفا کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۰).

مرز ژئوپلیتیکی، یک نقطه یا کانون مرکزی و فضای پیرامونی دارد. نقطه یا کانون مرکزی، همان کشور یا بازیگر قدرتمند مرکزی است که در جایگاه مدیریت و رهبری قلمرو قرار می‌گیرد و اراده

<sup>۱</sup> بیانات مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۹۳/۴/۸



خود را بر آن فضا یا قلمرو تحمیل می‌کند و ارزش‌های متنوع موردنظر خود را در آن قلمرو رواج می‌دهد. مرز و حوزه نفوذ نیز شامل تعدادی کشور یا جامعه تابع بوده که از اراده مرکز یا بازیگر و ارزش‌های آن متأثرند (می‌توان به ساختار ژئوپلیتیکی نظام دوقطبی در دوره جنگ سرد اشاره کرد که فضای جغرافیایی جهان به‌گونه‌ای تقسیم‌بندی شده بود که هریک از ابرقدرت‌های شوروی و آمریکا تعدادی کشور تابع در قلمرو خود داشتند و مرزهای ژئوپلیتیکی آن‌ها نیز تعریف شده بود.) (ترابی، ۱۳۸۶: ۱۵). بنابراین، وزن ژئوپلیتیکی مفهومی بنیادین در سرنوشت کشورها، فضاها و مکان‌های جغرافیایی و میزان اقتدار و قدرت بازیگری حکومت‌ها و دولت‌ها و نهادهای اجتماعی آن‌ها به شمار می‌آید که سبب شکل‌گیری و گسترش قلمرو و مرز ژئوپلیتیکی کشورهای مترو پل (که توانسته‌اند از مؤلفه‌های تولید قدرت به‌خوبی بهره بگیرند) می‌شود. به‌این ترتیب که آن‌ها می‌توانند با بهره‌گیری به‌موقع و حساب‌شده از این امکانات، به افزایش قدرت و فرصت‌سازی برای پیشبرد نظرات، سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های خود در سطح منطقه‌ای و جهانی بپردازند (برادان، ۱۳۸۴: ۳۱۲).

#### تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر فرآیند منطقه‌گرایی ج.ا.ایران:

در طول تاریخ، ایران نوسان بالایی در میزان قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی خود در منطقه و جهان داشته است. با نگاهی هرچند مختصر به این مسئله، روشن می‌شود که هرزمان دولت ایران قدرت ملی و بین‌المللی قوی داشته، دولت‌های همسایه ایران و قدرت‌های منطقه، کمتر توانسته‌اند مواضع چالشگرانه و مداخله‌جویانه در حوزه‌های نفوذ و سرحدات مرزی ایران داشته باشند. برعکس، در زمان افول قدرت ایران، رقیبان منطقه‌ای و همسایگان فرصت مداخله و ایجاد چالش برای دولت ایران را فراهم کرده‌اند. این قاعده در نیم‌قرن اخیر بسیار به چشم می‌خورد. به‌ویژه در سال‌های پایانی دوره پهلوی و پس‌از آن در دوره انقلاب اسلامی، حاکمان سیاسی و دولت‌های عربی حوزه خلیج فارس، توانستند در بسیاری از موضوعات که با منافع ملی ایران و امنیت ملی کشور در منطقه خلیج فارس پیوند مستقیم دارد، ایران را با چالش‌هایی روبه‌رو کنند. لزوم بازنگری در مؤلفه‌های تولید قدرت، چه در بخش طبیعی و محیطی، چه در بعد نیروی انسانی و تلفیق این دو در بخش صنعت، تکنولوژی، نانوتکنولوژی و حتی در بعد نظامی و همچنین افزایش فرآیند تأثیرگذاری در کشورهای اسلامی منطقه، بیش‌ازپیش احساس شده و مؤلفه‌ای مهم در افزایش قدرت ملی در بعد سیاسی است (احمدی‌پور، ۱۳۸۷: ۴).

تأثیر انقلاب اسلامی در جنبه‌های فردی و اجتماعی، فکری و عملی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی جهان اسلام، کم یا زیاد، مستقیم یا غیرمستقیم، فوری، میان‌مدت و درازمدت واقع شده است. از



مهم‌ترین این تأثیرات می‌توان به برهم خوردن موازنه‌ی قدرت در منطقه، بین قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی و دگرگونی در نوع اتحادها و ائتلاف‌ها اشاره داشت (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۰۰). پائیز ۱۳۸۳، زمانی که از یک‌سو، بحران هسته‌ای ایران به اوج خود رسیده بود و از سوی دیگر، عراق به سمت جنگ داخلی شتاب گرفته بود، ملک‌عبدالله... دوم ادعا کرد: نتیجه اصلی جنگ در عراق، شکل‌گیری یک هلال شیعی تحت سلطه ایران بوده است. چند ماه بعد در سپتامبر سال ۲۰۰۵ میلادی، وزیر خارجه عربستان سعودی در سفر به آمریکا از نگرانی دولت متبوعش در مورد آن چیزی که وی آن را تحویل عراق به ایران در نتیجه حمله آمریکا به این کشور نامید، سخن راند. سپس در ماه آوریل ۲۰۰۶ میلادی، رئیس‌جمهور مصر در مصاحبه با شبکه العربیه، ضمن این ادعا که بیشتر شیعیان ساکن کشورهای عربی به ایران وفادارترند تا کشور خود، مدعی شد شیعیان عراق تحت نفوذ ایران قرار دارند. این اظهارات بیانگر فرصتی است که ایده و مفهوم هلال شیعی برای ایران ایجاد و امکان موازنه قدرت آمریکا در غرب آسیا را تضعیف و تهدید کرده است. همچنین زمینه‌های تبدیل جمهوری اسلامی ایران به قدرت برتر منطقه را فراهم می‌سازد. به‌علاوه می‌تواند موجب بی‌ثباتی منطقه به صورتی کنترل‌ناپذیر گشته و تشدید مقاومت اسلامی در مقابل آمریکا و رژیم اشغالگر قدس را پدید آورد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۵۹). در نتیجه برخی از کشورهای مسلمان برای صدور و تأثیر انقلاب اسلامی نقش سرپل و تسهیل‌کننده را داشته‌اند. از جمله این کشورها می‌توان از عراق، افغانستان، ترکیه، پاکستان، لبنان و سودان یاد نمود (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۹۶).

قدرت هژمونی جهانی که بر اساس دیدگاه خود به دنبال تک‌قطبی کردن است و در حال حاضر، اسلام را به‌عنوان تنها رقیب واقعی خود می‌بیند، در یک هجمه نابرابر سیاسی فرهنگی، اسلام‌گرایی را مترادف با تروریسم دینی تئوری پردازی کرده و با واردکردن مفهوم تروریسم دینی به متون و ادبیات سیاسی جهانی، به دنبال شکل دادن اجماع جهانی برای انزوای همه‌جانبه مسلمانان و کشورهای اسلامی است. بدون شک تشکیل و هدایت شبکه‌های انحرافی؛ مانند القاعده و کنترل رفتار گروه‌ها و افرادی که در قالب تعاریف و معیارهای نظام بین‌المللی تروریست خوانده می‌شوند، در حال حاضر واقعییتی غیرقابل‌انکار و درعین‌حال تأثیرگذار بر جهان اسلام است (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۳).

صدور انقلاب در واقع همانا صدور فرهنگ انقلاب می‌باشد که برقراری عدالت و آزادی ملت‌ها را از سلطه قدرت‌های سلطه‌گر نوید می‌دهد. توسعه ارتباطات رسانه‌ای و دسترسی عموم توده‌های مردم به این رسانه‌ها، فرصتی استثنایی برای بهره‌برداری مطلوب در انتقال پیام‌های فرهنگی





جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است (محمدی، ۱۳۸۶: ۲۴۰). لذا تأثیر و صدور انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان که اغلب حوزه منافع قدرت‌ها هستند، می‌تواند برای حفظ انقلاب اسلامی در ایران و نظام برخاسته از آن حاشیه امنیتی ایجاد کند. یعنی قدرت‌ها و کشورهای که قصد مهار و اعمال فشار بر کانون انقلاب اسلامی را دارند، ناچارند بخشی از نیروی خود را از این امر رها کرده و صرف حصر اسلام‌گرایی در سایر بلاد نمایند (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۸۸). در لبنان در سال ۲۰۰۶، هنگامی که حزب... که ایران از آن‌ها پشتیبانی می‌کند، در برابر حمله رژیم اشغالگر قدس ایستادگی کردند و پس از آن کوشش‌های بازسازی جنگ را بر عهده گرفتند، به نظر بسیاری از مسلمانان، ایران برنده آن جنگ خوانده شد (کینزر، ۱۳۸۶: ۹۱). انقلاب اسلامی ایران به ترتیب اهمیت و اولویت در مناطق عربی آسیا، عربی آفریقا، افغانستان و آسیای مرکزی، ترکیه و بالکان، شبه‌قاره هند و جنوب شرقی آسیا تأثیر گذاشته است. هم‌چنین انقلاب اسلامی ایران در سه سطح دولت‌ها، ملت‌ها و نهضت‌ها و جنبش‌ها اثرگذار بوده است (همان: ۲۰۰).

#### تقویت عمق منطقه‌گرایی و تأثیر آن در استحکام ساخت درونی نظام:

جمهوری اسلامی ایران با آرمان‌ها و ارزش‌های ساختاری، هنگامی از حیات تثبیت‌شده‌ای برخوردار می‌گردد، که بتواند به‌عنوان بازیگری فعال در چارچوب اصول و قواعد تعریف‌شده منطقه‌ای و نظام بین‌المللی به بازی خود استمرار و استحکام بخشد. بدیهی است هرگونه تأثیرگذاری در منطقه و یا افزایش حوزه نفوذ مستمر خود در جهان اسلام، نظام تک‌قطبی جهان حال حاضر را به چالش جدی وادار می‌کند. کاهش نقش منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و ممانعت از الگوگیری دیگر ملت‌ها از جمهوری اسلامی ایران و فشار مضاعف بر جریان‌ات ناب شیعی، آسیب‌پذیری هویت ملی ایران و عدم تعریف درست از هویت ایرانی اسلامی، تبلیغ در جهت جایگزینی الگوهای مخرب بیگانه به‌جای اسلامی و ملی و درنهایت ترویج تفکرات غربی که سبب تخریب بنیان‌های اعتقادی و نظام سیاسی می‌شود، از جمله چالش‌هایی است که جمهوری اسلامی ایران در حفظ و ارتقای جایگاه خود در جهان اسلام با آن مواجه است (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۲). در سال‌های اخیر، گرایش مردم منطقه به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی و مبارزه با سلطه‌طلبی غرب و آمریکا بشدت افزایش یافته، به‌نحوی که این موضوع دولت‌مردان غربی را شدیداً نگران ساخته و عامل هشدار مراکز راهبردی غرب گردیده است. اگرچه لشکرکشی آمریکا به منطقه با هدف مقابله با بیداری اسلامی بوده اما توسعه و گسترش جنبش اسلام‌گرایی در منطقه، جایگاه



جمهوری اسلامی را در منطقه ارتقاء داده به نحوی که امروزه میزان نفوذ جمهوری اسلامی ایران بر دوستان و دشمنان ایران، امری انکارناپذیر شده است. از سوی دیگر به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، رشد حرکت‌های آزادی‌خواهانه در سراسر دنیا، نتیجه انقلاب اسلامی و اندیشه‌های والای حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) بوده است (جمراسی فراهانی، ۱۳۸۸: ۷۳). مهم‌ترین تأثیرات منطقه‌گرایی ج.ا.ایران که می‌تواند موجبات استحکام ساخت درونی نظام در بعد سیاسی را فراهم آورد، به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌گردد:

### الف) احیاء هویت جهان اسلام:

مهندسی الگوی جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌گرایی مطلوب، بر پایه دو رکن دولت و ملت، یعنی پذیرش تقسیم حاکمیت در سرزمین‌های اسلامی بر اساس نظم دولت‌محور و تعامل مؤثر و سازنده با دولت‌های مذکور در کنار اصل تبدیل شدن ملت‌های کشورهای اسلامی به امت یکپارچه با حداقل کردن محدودیت‌ها در تعامل مردم و تبدیل کردن مواردی مانند بیداری اسلامی، احیای ارزش‌های اسلامی، هویت‌یابی امت اسلامی و یکپارچگی مسلمانان در برابر دشمنان به قواعد پایدار و نظم‌دهنده الگو استوار است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۸: ۴۸۸).

کی.جی.هالستی در کتاب تحلیل سیاست بین‌الملل می‌گوید: دولت‌هایی که از لحاظ توان نظامی متعارف در برابر دشمنان خود، نسبتاً ضعیف هستند، قادرند در خارج از مرزهای خود و بانفوذ در میان گروه‌های خاص، مبارزه علیه دشمنان خود را ادامه دهند؛ بدون آن‌که از لحاظ پول و تجهیزات با خطر برخورد نظامی کشور موردنظر، متحمل ضررهای زیادی بشوند، در این کشور رخنه کنند. مطمئناً دولت قدرتمند، دولتی نیست که صرفاً نیروی نظامی گسترده‌ی متعارف یا هسته‌ای دارد، بلکه تکیه بر توانایی‌های نظامی، اطلاعاتی در خارج از مرزهای کشور و توسط گروه‌های مدافع، مهم‌ترین ابزار قدرت محسوب می‌شود<sup>۱</sup> (هالستی: ۲۰۰۶). نوام چامسکی، متفکر آمریکایی می‌گوید: اکنون هویت سیاسی جدید بر پایه مفاهیم اسلامی در منطقه در حال شکل‌گیری است. این روند می‌تواند به قدرت‌یابی این گروه‌ها منجر شود که مورد حمایت ایران هستند. لذا باید چاره‌ای



اندیشید تا پیش از این که تمام راه‌های سیاسی شیعیان و سنی‌ها به تهران ختم شود، نقش محوری ایران محدود گردد<sup>۱</sup> (چامسکی: ۲۰۰۶).

### ب) هم‌افزایی جوامع اسلامی:

در حال حاضر با توجه به بحران عراق و چالش‌های درون‌مرزی کشورهای منطقه، ایران به صورت تنها قدرت مسلمان منطقه است که می‌تواند در فرامرزهای خود بر رویکردها اثرگذار باشد. ایران نفوذ خود را در عراق، لبنان، فلسطین، حماس، حزب‌ا...، جهاد اسلامی و همچنین بازیگران بیرون از دولت‌ها افزایش داده است. ایران هرگز در تاریخ نوین خود به میزان امروز نیرومند نبوده است. با قاطعیت می‌توان گفت سرچشمه این نیرومندی بیش از همه، رفتارهای خصمانه آمریکا بوده است (کینزر: ۱۳۸۶: ۸۸). اصولی که در جهت تقویت منطقه‌گرایی رعایت می‌گردد، موارد متعددی را شامل می‌گردد. تقویت امنیت و اقتدار ملی با تأکید بر رشد علمی و فناوری، مشارکت و ثبات سیاسی، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، وحدت و هویت ملی و قدرت دفاعی که در نهایت به ارتقاء جایگاه نظامی ایران در جهان منجر خواهد شد (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۱). منطقه‌گرایی پدیده‌ای که در طول یک دهه گذشته روندهای حاکم بر وضعیت جهانی را تحت تأثیر قرار داده و حتی به الگویی برای تحلیل مسائل جهانی و بین‌المللی تبدیل گردیده، امروزه، مورد توجه قرار گرفته است. جمهوری اسلامی ایران قادر است از طریق فرایند منطقه‌گرایی، ورود به جهانی بزرگ‌تر را به محک تجربه و آزمایش بگذارد. توضیح آن که اجرای طرح‌های اقتصادی کلان منطقه‌ای، گسترش تجارت درون منطقه‌ای، تقویت بنیادهای فنی، ارتباطی و اقتصادی منطقه‌ای و سیاست‌های یکسان در قبال مسائل بین‌المللی از ویژگی‌های منطقه‌گرایی است. بنابراین تفکر منطقه‌گرایی شیوه‌ای برای ساختار جهانی شدن از طرف کشورهای در حال توسعه بوده و می‌تواند فرصت مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران در این دوره باشد. در این راستا کشور ایران، منطقه وسیع آسیای جنوب غربی را در چشم‌انداز خود در افق ۱۴۰۴ مطرح می‌کند، منطقه‌ای به‌عنوان منطقه ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک (نفت، گاز و به‌طور کلی انرژی، بازار و تجارت، خطوط مواصلات بین‌المللی و احیای جاده ابریشم) و ژئوکالچرال. این حوزه شاید تنها منطقه‌ای



است که تمام شاخص‌های مربوط به تبدیل شدن ایران به یک قدرت منطقه‌ای را در یک سبد دارد. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشور قدرتمند اقتصادی و نظامی در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و به لحاظ ظرفیت‌های منطقه‌ای و گستره ارتباطات پیرامونی می‌تواند به تحکیم و تقویت روابط منطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس و سادک پردازد (هادیان، ۱۳۸۲: ۲۹).

### ج) تأمین منافع ملی:

با توجه به تغییرات موجود در نظام بین‌الملل و امنیتی شدن فضای نظام بین‌الملل پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، ایران باید با بازتعریف سیاسی، نقش و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود در سطح منطقه را در جهت تأمین منافع ملی خود تعریف کرده، ارتقا ببخشد. بدون شک حفظ و ارتقای چنین جایگاهی، تنها با ارائه هدفی جدید و واگذاری به پارادایم جدید، یعنی دسترسی به یک قدرت منطقه‌ای امکان‌پذیر است. تبدیل شدن ایران به یک هژمون منطقه‌ای البته نه به‌صورت مکانیکی و فیزیکی و یا صرفاً ایدئولوژیکی، بلکه به‌صورتی که بتوان از قدرت‌های رقیب در منطقه، چون مصر، رژیم صهیونیستی، ترکیه، عربستان و پاکستان جلوتر رود و تبدیل به لنگر منطقه شود، نیاز به برنامه‌ریزی جامع و کامل دارد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور منطقه خلیج فارس، بایستی مسؤولیت بیشتری در قبال ثبات و امنیت منطقه داشته باشد. از این رو، لازم است سیاست‌های تعاملی ایران با کشورهای منطقه، برقراری روابط دوجانبه و چندجانبه متناسب با چالش‌های جدید بین‌المللی، از جمله تروریسم، جهانی شدن، نفت، موافقت‌نامه گات و غیره در راستای منافع ملی و منطقه‌ای باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۶).

در پایان باید گفت جمهوری اسلامی ایران برای حفظ و ارتقای جایگاه ویژه خود در منطقه و استحکام ساخت درونی نظام، لازم است به تولید قدرت برای بقا و ارتقای موقعیت ساختاری خود، از طریق الگوهای مبتنی بر خودیاری و خوداتکایی و نیز ائتلاف‌سازی پردازد. لذا لازم است ائتلاف‌سازی و ایجاد اعتماد که همان حداکثرسازی همکاری با سایر بازیگران در منطقه است را به‌عنوان نیاز و دغدغه اصلی سیاست خارجی ایران در دستور کار قرار دهد و سه محور ائتلاف با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و جنوب غرب آسیا، همکاری با کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین همکاری منطقه‌ای ایران در چارچوب پیمان شانگهای را در نظر بگیرد. بدین

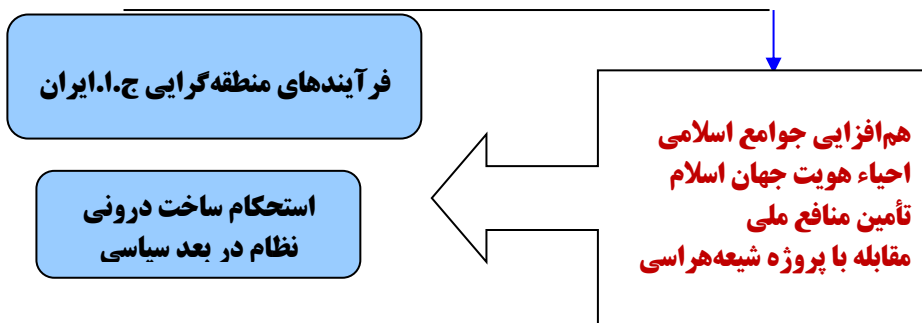


ترتیب همکاری‌های دو و چندجانبه می‌تواند زمینه‌ساز امنیت و ثبات در منطقه باشد (همان، ۱۳۸۹):

(۸)

#### (د) مقابله با پروژه شیعه‌هراسی

به‌منظور تقویت اثربخشی آینده‌های شیعه‌هراسی، نهادهای غرب از آینده‌های تبلیغاتی ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی به‌صورت توأمان استفاده می‌کنند تا عمق استراتژیک روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران را با چالش مواجه کنند. به عبارتی رصد جنگ تبلیغاتی غرب در مختصات نوین امنیتی جنوب غرب آسیا بیانگر شکل‌گیری دور جدیدی از عملیات روانی با ابزار شیعه‌هراسی است که پیش‌زمینه آن توسط پادشاه اردن با عنوان جغرافیای سیاسی هلال شیعه شکل گرفته بود. با توجه به اینکه شیعه‌هراسی در کنار ایران‌هراسی به یکی از آینده‌های تهاجم نرم آمریکا برای منزوی‌سازی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده، شایسته است متولیان امر با سناریوسازی، اقدام‌ها و تدابیر پیش‌دستانه لازم را موردتوجه قرار دهند که یکی از پیش‌نیازهای آن شناسایی دقیق ژئوپلیتیک شیعه در عمق استراتژیک خارجی و تهیه اطلس جغرافیایی پراکندگی شیعیان جنوب غرب آسیا و تقویت عمق راهبردی نظام در قالب منطقه‌گرایی است (پورمهرانی، ۱۳۹۰: ۱۳۸).



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

#### روشن‌شناسی

این مقاله، متغیر وابسته، استحکام ساخت درونی نظام و متغیر مستقل، فرآیند منطقه‌گرایی است که تعاریف صوری این متغیرها در مبحث مفهوم‌شناسی اشاره گردید. تعریف عملیاتی محقق از فرآیند منطقه‌گرایی، تعبیری است که مقام معظم رهبری (حفظه‌الله تعالی) به آن اشاره دارند. از منظر ایشان، عمق راهبردی نظام در نگاه به مسائل منطقه است. در نگاه به مسائل منطقه، انسان متوجه یک



موضوعی می‌شود و آن، عمق راهبردی جمهوری اسلامی در این مناطق است. یکجاهایی یک حادثی است که می‌تواند مثل ریشه و مایه‌ی استحکام یا ریسمان‌های نگه‌دارنده‌ی خیمه، برای داخل کشور به حساب بیاید؛ این‌ها عمق راهبردی است.<sup>۱</sup> تعریف عملیاتی محقق از استحکام ساخت درونی نظام، توجه به مؤلفه‌ی سیاسی قدرت ملی در شکل‌گیری پایه‌های درونی نظام است.

این تحقیق بر مبنای دستاورد و نتیجه تحقیق، از نوع کاربردی است یعنی نتایج آن می‌تواند مبنای عمل و تصمیم‌گیری در سازمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. بر مبنای اهداف تحقیق از نوع پیمایشی، توصیفی، تحلیلی است. همچنین این تحقیق بر مبنای نوع داده‌های مورد نیاز، به صورت یک تحقیق آمیخته، (کمی و کیفی) است. در این تحقیق، داده‌های لازم با استفاده از دو روش مطالعه کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی، جمع‌آوری شده‌اند. در روش کتابخانه‌ای از ابزار فیش‌برداری و در روش میدانی از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر را فارغ‌التحصیلان گرایش روابط بین‌الملل و علوم سیاسی دانشگاه‌های مستقر در تهران به تعداد ۱۰۰ نفر تشکیل می‌دهند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۲ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین گردیدند. از آنجایی که داده‌های این تحقیق دارای مقیاس فاصله‌ای بوده و میانگین پذیر می‌باشند، لذا برای تعیین اندازه نمونه از تخمین فاصله‌ای میانگین و فرمول کوکران استفاده شده است. در این تحقیق پس از مشخص شدن شاخص‌های متغیر که پایه‌های سوال‌های پرسشنامه را تشکیل می‌داد، اقدام به تهیه پرسشنامه گردید. یک پرسشنامه با تعدادی سؤال بسته و یک سؤال بازطراحی گردید. سؤال‌های بسته با استفاده از طیف لیکرت و مقیاس فاصله‌ای اندازه‌گیری گردید. در انتها جهت نشان دادن همپوشانی داده‌های حاصل از منابع، تحلیل نهایی انجام گردید. به منظور تعیین روایی پرسشنامه، ابتدا ۱۰ نسخه پرسشنامه تهیه و جهت تعیین اعتبار به کارشناسان داده شده، سپس اصلاحات لازم بر اساس راهنمایی‌ها انجام گرفته در پرسشنامه اعمال و مجدداً پرسشنامه تصحیح شده به تعداد دیگری از کارشناسان و متخصصین واگذار گردیده و سپس مورد بهره‌برداری قرار گرفت. به منظور تعیین اعتبار پرسشنامه، تعداد ۳۲ نسخه پرسشنامه تأییدشده به فارغ‌التحصیلان



<sup>۱</sup> بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۲ / ۵ / ۶

گرایش روابط بین‌الملل و علوم سیاسی دانشگاه‌های مستقر در تهران، واگذار و برای افزایش اعتبار پرسشنامه با طرح مجدد سؤال‌ها به گونه‌ای دیگر و در زمانی دیگر از اطلاعات مشترک چندین کارشناس استفاده گردیده است و سپس با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های پژوهشی<sup>۱</sup>، پایایی آن‌ها اندازه‌گیری شد.

با ضریب اطمینان ۹۵٪ از طریق جدول مربوطه محاسبه شده است. که مقدار آن ۱٫۹۶  $Z_{\frac{\alpha}{2}}^{\infty}$  می‌باشد، واریانس جامعه آماری از روی تحقیق انجام گرفته‌شده از قبل تعیین شده است.

$$Z_{\frac{\alpha}{2}}^2 = 1.96 \quad (\text{خطای } 5\%)$$

$$d = 0.5 \quad \text{مقدار اشتباه مجاز با نظر پژوهشگر}$$

$$N = 100 \quad \text{حجم جامعه مورد پژوهش}$$

$$\sigma^2 = 3.1 \quad \text{واریانس در جامعه}$$

$$n = \frac{N \times Z_{\frac{\alpha}{2}}^2 \times \sigma^2}{(N-1) \times d^2 + Z_{\frac{\alpha}{2}}^2 \times \sigma^2} = \frac{100 \times (1.96)^2 \times 3.1}{(100-1) \times (0.5)^2 + (1.96)^2 \times 3.1} = \frac{1190.4}{36.65} = 32.48 \approx 32$$

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق:

#### الف- تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها:

به منظور دستیابی به نظرات جامعه آماری نسبت به فرضیه تدوین شده، تعداد ۴ سؤال به شرح ذیل طراحی و در اختیار جامعه قرار گرفت که نتایج و جمع‌بندی داده‌های جمع‌آوری شده به شرح جدول ذیل می‌باشد:

- ۱- به نظر جنابعالی، هم‌افزایی جوامع اسلامی به‌عنوان یکی از فرآیندهای منطقه‌گرایی ج.ا.ایران، به چه میزان می‌تواند در استحکام ساخت درونی نظام در بعد سیاسی تأثیرگذار باشد؟
- ۲- به نظر جنابعالی، احیاء هویت جهان اسلام به‌عنوان یکی از فرآیندهای منطقه‌گرایی ج.ا.ایران، به چه میزان می‌تواند در استحکام ساخت درونی نظام در بعد سیاسی تأثیرگذار باشد؟
- ۳- به نظر جنابعالی، تأمین منافع ملی به‌عنوان یکی از فرآیندهای منطقه‌گرایی ج.ا.ایران، به چه میزان می‌تواند در استحکام ساخت درونی نظام در بعد سیاسی تأثیرگذار باشد؟



۴- به نظر جنابعالی، مقابله با پروژۀ شیعه هراسی به عنوان یکی از فرآیندهای منطقه‌گرایی ج.ا.ایران، به چه میزان می‌تواند در استحکام ساخت درونی نظام در بعد سیاسی تأثیرگذار باشد؟

جدول ۱: جمع‌بندی پاسخ‌های فرضیه بر مبنای میانگین

شماره نفر	سؤال ۱	سؤال ۲	سؤال ۳	سؤال ۴	میانگین	میانگین تعدیل
۱	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۲	۵	۵	۵	۴	۴/۷۵	۵
۳	۵	۴	۴	۴	۴/۲۵	۴
۴	۵	۴	۵	۴	۴/۵	۴
۵	۵	۴	۴	۴	۴/۲۵	۴
۶	۵	۴	۵	۴	۴/۵	۴
۷	۵	۱	۵	۴	۳/۷۵	۴
۸	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۹	۵	۴	۳	۲	۳/۵	۳
۱۰	۴	۳	۴	۵	۴	۴
۱۱	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۱۲	۵	۴	۲	۴	۳/۷۵	۴
۱۳	۵	۵	۴	۵	۴/۷۵	۵
۱۴	۵	۵	۵	۴	۴/۷۵	۵
۱۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۱۶	۵	۵	۵	۴	۴/۷۵	۵
۱۷	۵	۵	۵	۴	۴/۷۵	۵
۱۸	۴	۴	۴	۵	۴/۲۵	۴
۱۹	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۲۰	۴	۴	۳	۴	۳/۷۵	۴
۲۱	۵	۵	۵	۴	۴/۷۵	۵
۲۲	۵	۵	۲	۲	۳/۵	۳
۲۳	۵	۵	۲	۳	۳/۷۵	۴
۲۴	۵	۳	۵	۵	۴/۵	۴
۲۵	۵	۴	۴	۳	۴	۴
۲۶	۵	۲	۴	۴	۳/۷۵	۴
۲۷	۵	۴	۵	۴	۴/۵	۴
۲۸	۵	۳	۵	۳	۴	۴
۲۹	۵	۳	۴	۴	۴	۴



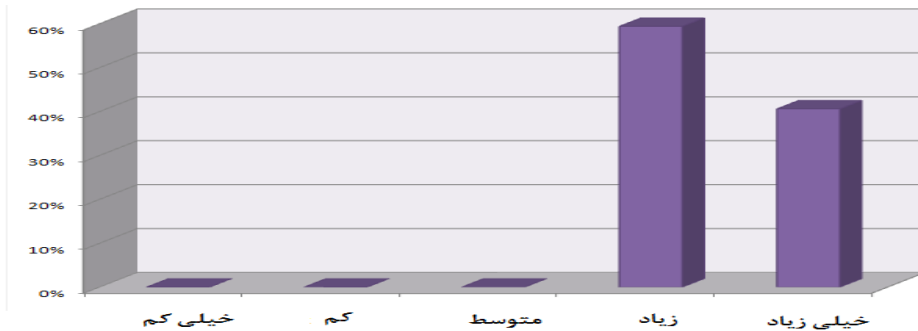


۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳۰
۴	۴	۴	۳	۴	۵	۳۱
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳۲

تعداد حجم جامعه نمونه / حاصل جمع میانگین تعدیل = میانگین مرکب

$$\bar{x} = \frac{\sum \bar{x}}{N} = \frac{135}{32} = 4.21$$

طیف	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
فراوانی	۱۳	۱۹	۰	۰	۰	۳۲
درصد	۴۰,۶٪	۵۹,۴٪	۰٪	۰٪	۰٪	۱۰۰٪



نمودار ۱: نمودار ستونی مربوط به فرضیه

**توصیف:**

جدول و نمودار فوق مؤید این واقعیت است که ۱۰۰ درصد پرسش‌شوندگان معتقدند که چنین به نظر می‌رسد، فرآیندهای منطقه‌گرایی ج.ا.ایران در ۴ مؤلفه‌ی هم‌افزایی جوامع اسلامی، احیاء هویت جهان اسلام، تأمین منافع ملی و مقابله با پروژه شیعه‌هراسی، موجبات استحکام ساخت درونی نظام را در بعد سیاسی فراهم می‌آورد. در یک نتیجه‌گیری کلی نیز می‌توان اذعان داشت که با توجه به میانگین مرکب محاسبه‌شده (۴/۲۱)، میزان در سطح خیلی زیاد می‌باشد.



## تجزیه و تحلیل استنباطی:

گام ۱: تدوین فرضیه‌ها

$H_0 =$  به نظر می‌رسد، فرآیندهای منطقه‌گرایی ج.ا.ایران در ۴ مؤلفه‌ی هم‌افزایی جوامع اسلامی، احیاء هویت جهان اسلام، تأمین منافع ملی و مقابله با پروژه شیعه‌هراسی، تأثیری بر استحکام ساخت درونی نظام ج.ا.ایران در بعد سیاسی ندارد.

$H_1 =$  به نظر می‌رسد، فرآیندهای منطقه‌گرایی ج.ا.ایران در ۴ مؤلفه‌ی هم‌افزایی جوامع اسلامی، احیاء هویت جهان اسلام، تأمین منافع ملی و مقابله با پروژه شیعه‌هراسی، موجب استحکام ساخت درونی نظام ج.ا.ایران در بعد سیاسی می‌گردد.

گام ۲: محاسبه آماره آزمون

آماره آزمون با استفاده از رابطه و جدول زیر محاسبه می‌گردد:

$$\chi^2 = \sum \frac{(Fo - Fe)^2}{Fe}$$

جدول ۳: جدول مجذور کا (خی ۲) مربوط به فرضیه

$(Fo - Fe)^2$	مربع تفاوت	تفاوت	فراوانی مورد	فراوانی مشاهده	فراوانی
Fe	$(Fo - Fe)^2$	(Fo-Fe)	انتظار (Fe)	شده (Fo)	سطوح
۶,۸	۴۳,۵۶	۶,۶	۶,۴	۱۳	خیلی زیاد
۲۴,۸	۱۵۸,۷۶	۱۲,۶	۶,۴	۱۹	زیاد
۶,۴	۴۰,۹۶	-۶,۴	۶,۴	۰	متوسط
۶,۴	۴۰,۹۶	-۶,۴	۶,۴	۰	کم
۶,۴	۴۰,۹۶	-۶,۴	۶,۴	۰	خیلی کم
۵۰,۸	۳۰۹,۲	-	۳۲	۳۲	مجموع

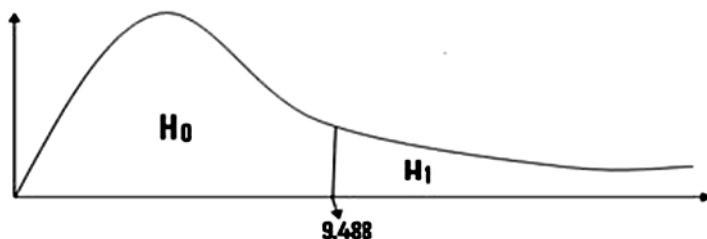
$$\chi^2 = ۵۰,۸$$

گام ۳: محاسبه آمار بحرانی



اگر درجه آزادی را  $\epsilon$  ( $N-1=4=Df$ ) و ضریب اطمینان را ۹۵٪ در نظر بگیریم، مقدار بحرانی برابر  $\chi^2=9/488$  می‌شود.

گام ۴: تصمیم‌گیری



نمودار ۲: نمودار مجذور کا (خی ۲) مربوط به فرضیه

با مقایسه مقدار آماره آزمون (۵۰٫۸) و مقدار بحرانی (۹/۴۸۸) ملاحظه می‌شود که آماره آزمون در ناحیه  $H_1$  قرار گرفته است، بنابراین فرضیه  $H_0$  رد می‌شود. لذا در سطح خطای ۵٪ با اطمینان ۹۵٪ فرضیه  $H_1$  مبنی بر اینکه فرآیندهای منطقه‌گرایی ج.ا.ایران در ۴ مؤلفه‌ی هم‌افزایی جوامع اسلامی، احیاء هویت جهان اسلام، تأمین منافع ملی و مقابله با پروژه شیعه‌هراسی، موجب استحکام ساخت درونی نظام ج.ا.ایران در بعد سیاسی می‌گردد، تأیید شده و نتایج قابل‌تعمیم به کل جامعه موردتحقیق می‌باشد.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق:

قدرت را توانایی یک بازیگر در صحنه بین‌المللی و استفاده از امکانات و منابع برای تأثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود تعریف کرده‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۵۰). قدرت وسیله‌ای است که بازیگران بین‌المللی در مقابله با یکدیگر از آن استفاده می‌کنند. یک بازیگر زمانی می‌تواند به اعمال قدرت در برابر طرف مقابل بپردازد که درباره موضوع مورد مناقشه از قدرت نسبی بیشتری برخوردار باشد. به نظر می‌رسد بین میزان قدرت ملی و فرآیند منطقه‌گرایی در افزایش و کاهش استحکام ساخت درونی نظام، در چند دهه اخیر و اعمال چالش‌های ژئوپلیتیکی و فشارهای سیاسی از طرف بازیگران منطقه‌ای و جهانی بر کشور ایران رابطه معناداری وجود دارد. در مقیاس منطقه‌ای، هر زمان که وزن ژئوپلیتیکی و به‌طور کلی وضعیت قدرت ملی ایران در سیر نزولی و دچار افت بوده است، دولت‌های عربی خلیج فارس به خود اجازه داده‌اند دولت ایران را به چالش



بکشند و ادعای حاکمیت بر جزایر سه‌گانه را داشته باشند و در امور داخلی ایران در سواحل جنوبی مداخله کنند. اما این‌گونه چالش‌ها در زمان افزایش قدرت ملی و برقراری امنیت ملی از جانب ایران و زمانی که حوزه نفوذ و مرزهای ژئوپلیتیکی در منطقه گسترش داشت، کمتر از سوی کشورهای کوچک عربی خلیج فارس به چشم می‌خورد. درهرحال، بدیهی است دستیابی به جایگاه قدرتمند و ایفای نقش مؤثرتر در منطقه خلیج فارس و جنوب غرب آسیا، همواره یکی از اهداف سیاست خارجی ایران بوده است. امریکا به‌عنوان ابرقدرت جهان در تلاش است تا از طریق به‌کارگیری دیپلماسی قهرآمیز، ایران را در چارچوب ساختارها و نهادهای بین‌المللی مجبور به پذیرش هنجارهای خود کرده و ساختارهای بنیادی نظام را تضعیف نموده و این کشور را از دستیابی به جایگاه برتر در منطقه بازدارد. به دلیل ماهیت نظام ایران، جهت‌گیری سیاست خارجی، موقعیت جغرافیایی حساس و اهمیت استراتژیک و ژئواستراتژیک منطقه جنوب غرب آسیا، نظام بین‌الملل محافظه‌کار اعم از هژمونیک و چندقطبی، محدودیت‌های ساختاری شدیدی را برای دستیابی این کشور به موقعیت برتر منطقه‌ای تحمیل خواهد کرد و این امر یکی از چالش‌های عمده‌ای است که جمهوری اسلامی ایران در منطقه با آن روبه‌رو است. استفاده صحیح از مؤلفه‌های ایجادکننده قدرت و منزلت در سطح فراملی و با استفاده از عوامل قدرت‌زا که شامل تقویت در تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی است، باعث می‌شود به‌عنوان یک بازیگر قدرتمند منطقه‌ای، علاوه بر حفظ تمامیت ارضی و امنیت ملی و تثبیت ساختار درونی نظام، با افزایش وزن ژئوپلیتیکی و گستردن مرزهای ژئوپلیتیکی خود در منطقه، همسایگان کوچک جنوبی خود را در حوزه نفوذ و سیطره اراده سیاسی‌اش قرار دهد. در این میان فرآیند منطقه‌گرایی، عاملی انکارناپذیر در افزایش قدرت ملی و افزایش و استحکام ساختار درونی نظام است.

وجود قدرت ملی قوی و به‌تبع آن اعمال نفوذ سیاسی و دیپلماسی در منطقه خلیج فارس و کشورهای عربی، ایران را به‌عنوان رهبر منطقه‌ای در نقش هم‌گرایی و اتحاد در خلیج فارس معرفی خواهد کرد. از این رهگذر، چالش‌ها و بحران‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی در خلیج فارس تا حدود زیادی برطرف می‌شود و امکان به چالش کشیدن ایران در موضوعات جغرافیایی و ژئوپلیتیکی به حداقل ممکن خواهد رسید. از سوی دیگر، افزایش قدرت ملی ایران، که به‌تبع آن مرزهای ژئوپلیتیکی و حوزه نفوذ ایران را گسترده‌تر کرده است، مداخلات قدرت‌های فرا منطقه‌ای و



جهانی را در منطقه کاهش داده و امنیت منطقه را بدون نیاز به حضور نیروهای بیگانه، تضمین خواهد نمود. جمهوری اسلامی ایران با آرمان‌ها و ارزش‌های ساختاری، هنگامی از حیات تثبیت‌شده‌ای برخوردار می‌گردد که بتواند به‌عنوان بازیگری فعال در چارچوب اصول و قواعد تعریف‌شده منطقه‌ای و نظام بین‌المللی به بازی خود استمرار و استحکام بخشد.

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

### الف - نتیجه‌گیری:

ایران با داشتن جمعیت و نیروی انسانی کیفی، ذخایر عظیم هیدروکربوری، موقعیت خاص ژئوپلیتیک، موقعیت ژئواستراتژی جهانی، نفوذ فرهنگی و تمدن غنی ایرانی اسلامی، برخوردار بودن از حوزه نفوذ فرهنگی و استقلال‌طلبی جدی، در کنار سایر عناصر قدرت ملی ایران (توانایی سیاسی، اقتصادی، نظامی، منابع طبیعی و ...) علاوه بر سطح منطقه‌ای، در ابعاد جهانی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که قادر خواهد بود علاوه بر تأثیرگذاری در منطقه، در نظام هژمونیک فعلی جهان نیز مؤثر واقع شده و ساختار درونی نظام را تقویت نماید. لازمه موفقیت هر بازیگری در سطح بین‌الملل، شناسایی موقعیت و جایگاه خود و آنگاه برنامه‌ریزی مناسب برای حفظ و تأثیرگذاری صحیح آن در روابط بین‌المللی است. جمهوری اسلامی ایران نیز هنگامی می‌تواند شکل و نوع بازی خود را در چارچوب تعامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به‌صورت بهینه تبیین و اعمال نماید، که از حوزه توانایی‌ها و ظرفیت‌های موجود خودآگاهی کامل داشته، واقعیت‌های حاکم بر سیاست خارجی را در راستای حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و فرهنگی و همچنین منافع ملی در نظر بگیرد و برای تحقق اهداف کوتاه و بلندمدت خود، حسب سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ برنامه‌ریزی مناسب و صحیح داشته باشد.

جمهوری اسلامی در مقابل تعهدات و مسؤولیت‌هایی که برای حفظ امنیت و توسعه همه‌جانبه منطقه دارد، می‌کوشد و هزینه‌های آن را نیز می‌پردازد؛ نظیر تعهدات و ریسک‌هایی که امروزه ایالات متحده آمریکا در منطقه متقبل می‌شود، بایستی همواره امکانات و منابع داخلی و همچنین منافع ملی خود را در نظر داشته باشد. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران به‌منظور تثبیت ساختارهای بنیادی نظام، باید در معادلات سیاسی منطقه‌ای و در سیاست خارجی خود به‌گونه‌ای حضور فعال داشته باشد که اجازه ندهد رفتاری در همسایگی این کشور شکل گیرد که منافع ملی



و ارزش‌های حیاتی آن را هدف قرار دهد. علیرغم سیاست‌های خارجی آمریکا، که از همه کشورهای منطقه می‌خواهد در چارچوب منافع آمریکا رفتار نمایند، ایران اسلامی باید ضمن حفظ و حراست از حاکمیت و استقلال و آزادی خود در مقابل قدرت‌های بزرگ در منطقه، به‌خصوص آمریکا، عامل نظم و ثبات امنیت و برقراری توازن قوا در منطقه بوده و به نفوذ خود در منطقه ثبات و استحکام بخشد.

#### **ب- پیشنهادها:**

لازم است موارد زیر جهت حفظ و ارتقای جایگاه شایسته جمهوری اسلامی ایران در جامعه بین‌المللی، به‌منظور ارتقاء قدرت ملی و تثبیت ساختارهای نظام، مورد ملاحظه و توجه ویژه قرار گیرد:

- ۱- گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و همزیستی فعالیت با جهان خارج و مقابله با انزوا با سرلوحه قرار دادن اصول عزت، حکمت و مصلحت.
- ۲- ایجاد تعامل با مراکز علمی و حوزه‌های علمیه کشورهای اسلامی به‌منظور ترویج عقاید ناب شیعه و مقابله با پروژه شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی غرب در منطقه.
- ۳- استفاده از ظرفیت وجودی مقام معظم رهبری (حفظه‌الله تعالی) و تنویر افکار و عقاید معظم له در خصوص وحدت جهان اسلام با محوریت ج.ا.ایران به‌منظور افزایش هم‌افزایی جوامع اسلامی و تثبیت قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران.
- ۴- ادامه حمایت‌های مستشاری از جبهه مقاومت ضد صهیونیستی و حضور فعال در معادلات سیاسی منطقه‌ای به‌منظور تثبیت و تقویت عمق راهبردی موجود.



**فهرست منابع:****الف - منابع فارسی**

- ابراهیمی، نصرالله... (۱۳۸۹)، تحلیلی بر سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، فصل‌نامه راهبرد، تهران.
- احمدی‌پور، زهرا، (۱۳۸۷)، نقش انرژی هسته‌ای در افزایش وزن ژئوپلیتیکی ایران در خلیج فارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران.
- آشوری، داریوش، (۱۳۸۳)، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، تهران.
- برادن و اشلی، (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک فراگیر، ترجمه علی‌رضا فرشچی و محمدرضا رهنما، نشر دوره عالی جنگ سپاه.
- برزگر، کیهان، (۱۳۸۸)، منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران، انتشارات مطالعات اوراسیای مرکزی، تهران.
- پورمهرانی، مهران، (۱۳۹۰)، چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در مرزهای پیرامونی، انتشارات نوآور، تهران.
- ترابی، قاسم، (۱۳۸۶)، سیاست هسته‌ای آمریکا و راهبردهای شورای همکاری خلیج فارس، تهران: مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی.
- جمراسی‌فراهانی، علی‌اصغر، (۱۳۸۸)، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۸۸) هلال شیعی فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا، تهران: انتشارات دانش سیاسی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی اجتماعی، جلد دوم، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، قم.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حشمت‌زاده، محمدباقر، (۱۳۸۷)، ارتباط و امنیت ملی در جنگ ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات سپاه پاسداران.



- شهلائی، ناصر، (۱۳۸۸)، نظریه‌های راهبردی، انتشارات دافوس آجا، تهران.
- عبدا...خانی، علی، (۱۳۸۸)، طراحی الگوی امنیت منطقه‌ای برای محیط غرب آسیا متناسب با رویکرد جمهوری اسلامی ایران و با تأکید بر چالش‌های امنیتی آن، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده دفاع، رساله دکتری.
- کریمی، حمید، (۱۳۹۱)، الگوی بازدارندگی دفاع همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، رساله دکتری.
- کینزر، استفان، (۱۳۸۶)، همه مردان شاه، مترجم شهریار خواجهیان، تهران: انتشارات افزان، جلد سوم.
- محمد نژاد مهدی، نوروزی جواد، (۱۳۷۸) بررسی مفهومی نظریه‌های امنیت ملی و قدرت ملی، انتشارات سمت، تهران.
- محمدی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با نگاه به چشم‌انداز ۲۰ ساله، تهران.
- محمدی، منوچهر، (۱۳۸۶)، آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران.
- موسوی، سید محمدعلی، (۱۳۸۹)، جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی، انفکاک یا هم‌گرایی، نشریه روابط خارجه، شماره ۳، انتشارات دانشگاه تهران.
- هادیان، حمید، (۱۳۸۲)، نقش ایران در ایجاد سازمان امنیت و همکاری، مطالعه آفریقا.
- هرتسیگ، ادموند قاسمی، محمدعلی، (۱۳۸۳)، منطقه‌گرایی، ایران و آسیای مرکزی، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۵، دوره ۷، تهران.

#### ب- سایت‌ها

- [www.time.com-2006/9/13- chameski](http://www.time.com-2006/9/13- chameski)
- [www.iran.com- 2006/9/12- halesti](http://www.iran.com- 2006/9/12- halesti)

